

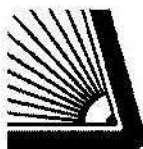
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ن و القلم و ما یسطرون

نمغ امام علی (علیه السلام)

نویسنده: علامہ محمد حمود العقاد

ترجمہ: سائبرہ طاہرہ



انتشارات نظری

میرشناسه	عقاد، عباس محمود (Aqqad Abbas Mahmud) / نویسنده
عنوان قراردادی	عقربه الامام علی / فارسی
عنوان و نام پدیدآور مشخصات	نیو غ امام علی علیه السلام / عباس محمود العقاد: مترجم: طاهره طایفی
نشر	انتشارات نظری ۱۳۹۲
مشخصات ظاهری	۲۰۸ ص
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۲۸۹-۱۱۴-۳
وضعیت فهرست نویسی	فیا
موضوع	علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ - فضایل
موضوع	علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ - اثبات خلافت
موضوع	اسلام - تاریخ - از آغاز تا ۴۱ ق
رده نظامی کتابخانه	طایفی، طاهره مترجم
ردیف ملی	۱۳۹۲ ع ۲۰۴۱ / ۷ ع ۱ / ۱۳۹۲
آرک کتابخانه ملی	۲۹۷/۹۵۱

نام کتاب: نیو غ امام علی علیه السلام

نویسنده: عباس محمود العقاد

ترجمه: طاهره طایفی

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۲

شمارگان: ۱۰۰۰

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: جاووش، شریف و اشراقی

طراح جلد: شبنم نژاد

انتشارات نظری

«کلیه حقوق چاپ و نشر مخصوص و محفوظ ناشر می باشد»

دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولی عصر (عج)، خیابان سید جمال الدین اسدآبادی (مستوفی)

نش خیابان فتحی شقایق، جنب بانک انصار، پلاک ۳۲، طبقه ۲، واحد ۱

info@nashrenazari.com www.nashrenazari.com

همراه: ۰۹۱۹۰۱۲۹۴۵۵ تلفن: ۸۸۱۰۲۷۷۵

پیام کوتاه: ۸۸۱۰۲۷۷۵

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

	پیش گفتار
	لایحه نویسنده
۱۲	صفات علی [ع]
۳۳	بلید حضرت امام
۴۰	اسلام راه
۵۰	عصر امام [ع]
۶۵	بیعت با علی [ع]
۱۱۰	سیاست علی [ع]
۱۴۷	حکومت امام [ع]
۱۵۸	پیامبر، امام و صحابه
۱۷۰	فرهنگ و دانش امام
۱۹۱	در خانه علی [ع]
۱۹۹	امام در یک نگاه

www.ketab.ir

پیش گفتار

پس از گذشت قرن ها از زندگی علی (ع) و با وجود تلاش های بسیاری که اندیشمندان، پژوهشگران و مورخان برای درک حقایق زندگی و به تصویر کشیدن شخصیت آن امام بزرگوار بکارگرفته اند، شخصیت او آن چنانی که شایسته است، بطور کامل شناخته نشده و حقیقت آن برای بسیاری بل درک نمی باشد، زیرا دارای آن چنان عظمتی است که تاریخ بشری یارای به تصویر کشیدن تمامی ابعاد آن را نداشته و ندارد و صاحبان اندیشه قبل از او نیز توانسته اند به ژرفنای روح با عظمتش راه یابند و به انعکاس گوشه هایی از آن بسنده نموده اند، مورد ملامت قرار دادند. ابعاد و خصوصیات علی (ع) گستره و پهنایی به وسعت زندگی تمام ابناء بشر را در بر داشت. بدین جهت نه تنها پیروان مذهب شیعه بلکه تمامی انسان های اندیشمند و فرهیختگان زیستنی انسانی می باشند در جنبه های گوناگون زندگی خویش از زندگی و سبک زندگی و سلوک علی (ع) ارتباط می یابند.

آن هنگام که شخصیتی دارای ابعاد و جنبه ها متعدد و گسترده باشد راه یافتن به ژرفنای آن دشوار می گردد و این چیل است که انسانی، با عظمتی به وسعت تمامی روح بشری و تاریخ بشریت، آن زمان که دشمنان مکر و فریبکاریش، در میان حلقه دوستان و هواداران خود احاطه شده و دنیا برمد کلید آنان اداره می گردد، بخاطر راستی و صداقت و عشق به حق و حقیقت در انزوای بهای بسر می برد و اندوه هایی را که دلش را ملامت از درد نموده اند تنها برای قهر راه می یابند بازگو نماید. اندوه هایی که از جهالت دوستداران نا آگاه و دشمنانی پدید آمده که بدور از هر گونه انصاف و جوانمردی با خدعه و نیرنگ تمامی راه های بر او بسته و نا راست ترین اتهامات را بر او وارد آوردند تا جایی که او را متهم به کفر کردند و پس از گذشت قرن ها هنوز ناله و فریاد علی (ع) از این دوستداران و دشمنان در گوش تاریخ پیچیده است.

استاد «محمود عقاد» نویسنده و متفکر اهل نسن مصری یکی از انسان های آزاده ای است که علی (ع) را شخصیتی بزرگ و بی نظیر در تاریخ دانسته و بدور از هر گونه تعصب و حب و بغض به بررسی ابعاد گوناگون شخصیت امام (اعم از علمی، سیاسی، نظامی، عاطفی، ادبی و...) پرداخته و انگیزه و چرایی کارها و تصمیمات سرنوشت ساز و بلکه تاریخ ساز امام را بطور مستدل و به شیوه ای علمی، در کتاب پیش رو تحت عنوان «نبوغ امام علی (ع)»، مورد کنکاش قرار داده است (کاری که در این بزرگی بزرگان کمتر صورت می گیرد). همان گونه که از نام کتاب آشکار است استاد عقاد، امام علی را بحق انسانی نابغه می داند که اندیشه ها و اعمال او برای امت اسلامی از نبوغ بی نظیر اوست. در این کتاب نویسنده با روشی علمی آراء، نظریات و اعمال امام را استدلال نموده و به این طریق صحت و عاری از نقص بودن آنها را به اثبات رسانیده همین جهت دارای مطالب ارزشمندی است که مطالعه آن برای پیروان تمامی مذاهب اسلامی که ممکن است ابهاماتی در این زمینه داشته باشند و نیز برای تمام انسان ها اندیشمندی که جوای حق و حقیقت و سلوک انسانی می باشند، سودمند مطالعه است. امید آن دارم توانسته باشم در ترجمه این کتاب حق مطلب را ادا نموده و به این طریق همه ای از ارادت بی شائبه خویش را نسبت به شخصیت والا و یگانه علی (ع)، این بزرگوار را اگر در این مسیر تا خود آگاهانه قصوری نموده باشم از روح شامخ آن حضرت طلب عفو و بخشایش می نمایم.

هره طایفی

مقدمه نویسنده

هر بعد از ابعاد روح انسان با زندگی علی بن ابی طالب تلاقی دارد، زیرا هر کجا که سخن از زندگی و سیره قهرمانان و انسان‌های بزرگ باشد، این زندگی علی است که انسان و انسانیت را با رسایی مورد خطاب قرار می‌دهد و نیرومندترین اشکال عظوفت و مواضع عبرت و عمل را که تاریخ بشری به خود دیده است در انسان برمی‌انگیزد. در زندگی فرزندی طالب عاطفه‌ای سوزان و احساسی که چشم‌انداز آن غم و بزرگواری است با یکدیگر جمع گشته است. زیرا او شهید و ابوالفضل است. تاریخ زندگی او و فرزندانش در سلسله‌ای طولانی از میدان‌های جهاد، جنگ و جهاد جریان دارد و تصویری که از آنان برای جوینده حقیقت نبوده می‌شود گاه تصویر سالخوردگانی است که وقار و متانت گشتن عمر و سپس شمشیری بران و قاطع نسبت به دشمنان به آنان عظمست و جلال بخشیده است و گاه تصویر جوانانی است که مرگ به آنان مهلت نداده و در سادابی و طراوت جوانی میان آنان و نعمت زندگی حایل گشته است که در حالی که آنان خود تشنه آب‌سورهای مرگ بودند... و رنج و درد حاصل از کشته شدن آنان چنان عظیم است که نزدیک است همه ظواهر عالم را با خون آنان رنگ آمیزی شود و رنگ خون آنان را بگیرد، تا جایی که فیلسوف همچون ابوالعلاء که گمان نمی‌رود شیعه باشد اما کمال مسلمان بودن او بسیار است چنانچه می‌گوید: «...»

و علی الافسق من دماء الشہید ین علسی و نجلہ شہادان
فہما فی اواخر اللیل فجرا ن و فی اویاتہ شفقان^۱

و همین هدف از آمیخته شدن عاطفه با زندگی علی [ع] می‌باشد، زندگی که کمتر سیرہ‌ای از شہداء بہ چنین هدف و سرانجامی می‌رسد و سرشت ملت‌ها بسیار تشنہ سرگذشت چنین جانبازی‌هایی است کہ در تاریخ ادیان می‌بینیم. از سویی دیگر زندگی فرزند اہی طالع با تخیل نیز جمع می‌گردد بہ طوری کہ احساسات انسانی در آن بہ شدت اوج می‌گیرد و یا بسیار عمیق می‌گردد.

از سوی دیگر ہمہ آنکس کہ احساسات انسانی اش رو بہ سوز و منفرد حقیقی و تخیلی دارد و شہادان و عاشقان أعجوبہ‌ها و نوابغ، کہ در کثرت و احترام در برابر شخصیت او با یکدیگر اتفاق دارند.

آیا او با سرکشان و متجانبان و سرزمین‌هایشان نجنگید؟ آیا راویان وقصہ سریان تلاش نکردند تا از راء تشبیہ، قهرمانان و مبارزینی مانند او بپراشند کہ هنوز بخوانند ہما را خلق نکردہ است؟ آیا افراط‌گران در محبت و دوستی بہ شکست دادن دشمنان ششناختہ شدہ اش را برای وی کساری کوچک می‌کردند و بدین ترتیب دشمنان شکست خورده‌ای را برای او نساختند کہ علی با آنها آشنایی داشت و نہ این افراط‌گران خود، آنها را بہ ششناختند؟

^۱ - در افق بر خون علی [ع] و فرزندان شہیدش، دو شہاد است، یکی فجری کہ در آخرین هنگام شب، نزدیک بہ صبح سر می‌زند و دیگری شفقی کہ در اوایل آن در آسمان ظاہر می‌گردد.

آیا کسانی که او و جنگ‌هایش را توصیف نموده اند وی را به مثابه یکی از قهرمانان اسطوره‌ای به شمار نیاورده‌اند؟ در حالی که او خود، راستین‌ترین قهرمانان در راستین‌ترین میادین جنگ است.

زندگی علی رضوان الله علیه^۱ همان گونه که محل اجتماع عاطفه و تخیل است با تفکر و اندیشه نیز همراه می باشد زیرا او در تصوف و شریعت و اخلاق صاحب اندیشه و آرائی است که بر همه راء و اندیشه های موجود در فرهنگ اسلامی پیشی می گیرد. او اندیشه مند و خفاغه از میان خلفای راشدین است که پیوسته رهرو مکتب حکمت بوده است. و از سوی دیگر دارای هوش و ذکاوتی است که به رکعت و شکران بسیار با تجربه شبیه تر است تا به ذکاوت سیاستمداران عظمای اسلام.

تیزهوشی او قبل از آنکه به نتیجه عمل یا جریان امور احساس شود در تفکر و اندیشه اساس می شود. زندگی او همچنانکه شاهراه و محل تلاقی تفکر، خیال و عاطفه است با ذوق ادبی- یا هنری- نیز مرتبط است، زیرا او ادیب و بلاغ است و دارای روشی در ادبیات و بلاغت می باشد که بسیاری از نویسندگانی نموده اند و نیز دارای بهره ای از ذوق ادبی است که مورد پسند دیگران قرار داشته و صاحبان ذوق آن را ستوده اند، اگرچه فاصله زمانی زیاده ای میان ایشان و علی بوده باشد.

آری، او حکیمی ادیب و مستثنوی روشنگر و ریاضت طلبی است که نوشته ها و آفرینش های ادبی او همچون بسیاری از آثار ارزشمند و ماندگار نویسندگان و شاعران با زبان عربی پیوندد می یابیم.

^۱ اهل تسنن به جای علیہ السلام به کار میبرند.

روح انسان علاوه بر عذوق، تخیل، تفکر و درک زیبایی بیان، دارای ابعاد بسیار دیگری نیز هست، از جمله این ابعاد که منحصر به زمان خاصی نیست، بعدی است که طبایع و افکار را از یکدیگر متمایز می سازد و بعد دیگر بعدی است که به خاطر اندیشه‌ای و با حقی و یا سرزمینی پیوسته در حال سبزه‌داری است.

گاهی تفکر و ذوق سستی می‌گیرد و گاه از شدت خیال و عاطفه ته می‌شود، اما آنچه که هرگز دچار سستی نمی‌گردد جدال اندیشه‌ها و زبان‌ها، و اختلاف نظر میان صاحبان عقاید گوناگون و با هم‌ها در همه‌ها است.

و این همان عرصه گسترده‌ای است که با زندگی این امام بی‌بدیل ارتباط سبزه‌داری می‌باید و زندگی هیچ بزرگی در این ویژگی، به زندگی او شباهت ندارد او خود در کوتاه‌ترین کلام در این باره چنین گفت:

«عده‌ای مرا دوست دارند و بخاطر حب من وارد آتش می‌شوند و عده‌ای با من دشمنی دارند و بخاطر دشمنی با من وارد آتش می‌گردند... و نیز می‌گفت: «دو من در رابطه با من هلاک می‌شوند: دوستداری که درباره خصیصه من نسبت افراط می‌کند و دشمنی که دشمنی با من او را بر آن وامی‌دارد تا آنچه را نکرده‌ام به من نسبت دهد.»

سخن امام بزرگوار درباره افراط دوستان و دشمنان که لا درست می‌باشد، زیرا محبت بعضی از آنان نسبت به او به حدی است که او را تا درجه الوهیت بالا بردند و دشمنی بعضی از آنان نسبت به او به آن اندازه رسید که او را خارج از دین دانستند. گروه اول رافضیانی افراط‌گر بودند که او را می‌پرستیدند و امام آنها را از

عبادت خود نهی کرد اما اطاعتش نکردند... از آنان خواست تا توبه نمایند اما آنان بر کفر خود به شدت اصرار ورزیدند، پس امام فرمان داد تا آنها را بسوزانند، در آن حال که به سوی آتش سوزان برده می‌شدند، می‌گفتند: او (علی [ع]) خدای یکتاست و همان کسی است که به وسیله آتش عذاب می‌نماید.

در گروهی از دشمنانش خوارج افراط‌گرا بودند که اظهار می‌نمودند امام کافر است و از او می‌خواستند که به خاطر سرکشی‌اش به درگاه خدا توبه نماید و او را بر منابر دشنام می‌دادند همچنان که دشمنان اموی امام که در عقیده با آنان مخالف اما در دشنام‌گویی نسبت به وی با آنان موافق بودند، وی را دشنام می‌دادند.

زندگی امام با عرض و گسترده از حب و بغض روبروست که هرگز در تاریخ زندگی قبلی‌اش که در معرض حب و بغض بوده اند وجود نداشته است، بلکه عده‌ای بگویند: او خود، خداست و گروهی بگویند: کافری است و از رحمت خدا بدور مانده است.

یکی دیگر از جنبه‌های متضاد روح انسان که به طرق گوناگون با زندگی امام مرتبط می‌باشد، گرایش به اعتراض و عصیان یا اشتیاق به تجدید و اصلاح است.

آری نام علی، رایتی گشت که هر کس که حق را بر او نصب شده باشد، پیرامون آن جمع می‌گردد و فریادی شد که همه به عدالت خواهی آن را سر می‌دهد. پس از مرگ او، حکومت را به صاحبزاده پا خواست زیرا در زمان حیات او بدان سبب که دشمنان بر سر جامعه‌ای، فردی ظالم گماردند، حکومتی قیام نکرد. اما پس از آن حکومتی که خواهان یاری و مدد بود به دعوت علوی پناه برد گویی که این دعوت، دعوتی است مترادف با کلمه اصلاح و یا هوایی تازه است که هر خشمی فرو خورده در آن به آرامش دست می‌یابد.

هرکس به خاطر تفکر و اندیشه‌ای در جدال است، نام علی شغایی
برای کشمکش‌های روح اوست و هرکس بر ظلمی شورش نماید،
نام علی انگیزه‌ای برای قیام و آرامشی برای خشم اوست.

و هرکس با عقل و اندیشه، ذوق و تخیل و یا عاطفه با تاریخ عرب
روبرو شود، به شکلی و یا حالتی، با زندگی علی برخورد می‌نماید و
مرتبط می‌گردد. این همان ویژگی تاریخ امام است که آن را در میان
تاریخ سایر خلفا، ممتاز و یگانه کرده است.

امام و ذلهای مردم رابطه‌ای است که اگرچه تاریخ و تاریخ
نویسان در ایجاد این رابطه کوتاهی کرده اند، اما فطرت و طبیعت
این به وجود خود آن را به وجود می‌آورد.

در زندگی امام هر جا که ابعاد مختلف آن (اعم از عاطفه، تخیل،
اندیشه، حس و ... با یکدیگر تلاقی یافته و با هم جمع گشته است،
نویسنده را پیاپی به احساسات و حذر قرار می‌دهد زیرا پیچیدگی
عوامل روحی انسان را که پژوهشگرانی که در مورد شخصیتی
تحقیق می‌نمایند، دشوارتر می‌شود و این دشواری کاهش نمی‌یابد و
به سادگی و وضوح تبدیل نمی‌شود. اما اگر در هر پژوهش عوامل
روحی انسان نقش کمتری داشته باشد آسانتر می‌توان از این
دشواری‌ها رهایی یافته و به حقیقت رسید. در این اساس پژوهش
درباره زندگی و شخصیت قهرمانی که در زندگی او چیز دیگری جز
اندیشه وجود ندارد، سهل‌تر از پژوهش درباره کسی است که
اندیشه و عاطفه در آن با یکدیگر همراه است و به هر حال بررسی
زندگی چنین شخصیتی آسانتر از بررسی زندگی کسی است که در
طول هزار سال پیاپی با اعماق درون و روح مردمان مرتبط است و
سبب این ارتباط آن است که او علاوه بر آنکه نمونه‌ای یگانه و بی
همتا در تخیل، اندیشه و احساسات است، نمونه‌ای بی نظیر از

انسانیت، اشتیاق شدید نسبت به بلاغت و ریاضت جسم و جان
به خاطر تقوا است.

به همین جهت بدون تردید تکلیف و وظیفه ما در بررسی «نبوغ
امام»، هدف و راهی مشخص دارد، چرا که وظیفه این است که نبوغ
امام را تشریح نموده و در این راستا، راهی معتدل و میانه را در پیش
گیریم.

با توجه به آگاهی ما نسبت به این موضوع، که کار را تا اندازه‌ای
مان خود را بررسی به آن را ممکن می‌سازد، «نبوغ امام» را به
حقیقت معتدل و به دور از انحراف ارجاع می‌دهیم و این کار را از
راه‌های نوین می‌پوشانیم، به انجام می‌رسانیم زیرا به آسانی نمی‌توان
به یک راه دست یافت. و همان ما این است که ضرورت بازگشت و
رجوع از همه راه‌های نادرستی که مقصود و مورد نظر می‌باشد
را دریافته ایم.

عباس محمد عقاد